**جلسه 104-215**

**یک‌شنبه – 09/02/۹7**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

قبل از این‌که وارد مسأله 7 بشویم یک خلاصه‌ای از بحث اعانت بر اثم عرض کنم. به مناسبت این‌که صاحب عروه فرمود اگر زنی می‌‌بیند که شخصی به صورت او به شهوت نگاه می‌‌کند واجب است صورتش را بپوشاند از باب حرمت اعانت بر اثم و همین‌طور اگر جوانی می‌‌بیند زنی به شهوت به صورت او نگاه می‌‌کند باید این جوان از آن محل برود و الا اگر نرود و نقاب نزند مصداق اعانت بر اثم است.

که ما وفاقا للسید الامام و السید الخوئی گفتیم صغری اعانت بر اثم اینجا صادق نیست. مثل این می‌‌ماند که من تجارت می‌‌کنم می‌‌دانم که ظالم از من عُشر می‌‌گیرم، سارق می‌آید مال من را می‌‌دزد، این‌که اعانت بر اثم نیست؛ ایجاد موضوع اثم است.

اما به لحاظ کبری اعانت بر اثم مشهور گفتند اعانت بر اثم حرام است. مرحوم ایروانی و مرحوم آقای خوئی و مرحوم استاد و آقای سیستانی فرمودند اعانت بر اثم دلیل بر حرمت ندارد بلکه سیره بر اعانت بر اثم بوده. مگر این‌که شخص معین داعیش بر ایجاد این مقدمه این باشد که غیر، مرتکب حرام بشود که این خلاف فحوی نهی از منکر است. اگر داعی نداشت به این‌که غیر مرتکب منکر بشود، ایجاد مقدمه اثم حرام نیست. آنی که حرام است اعانت بر ظلم است. سیره هم بر اعانت بر اثم بوده‌، روایات هم که در جواز بیع العنب ممن یعلم انه یصنعه خمرا هست. ‌صحیحه حلبی می‌‌گوید که سألت اباعبدالله علیه السلام عن بیع عصیر العنب ممن یجعله حراما قال لابأس به تبیعه حلالا فیجعله حراما فابعده الله و اسحقه. صحیحه رفاعه هم که بالاتر از این را گفته. می‌‌گوید سئل ابوعبدالله علیه السلام و انا حاضر عن بیع العصیر ممن یخمّره، آب انگور می‌‌فروشد، زحمت را هم کم کرده، انگور را نمی‌فروشد، آب انگور را می‌‌فروشد به کسی که از او خمر می‌‌سازد، قال: ألسنا نبیع تمرنا ممن یجعله شرابا خبیثا، مگر خودمان این کار را نمی‌کنیم؟ خودمان هم خرمایمان را می‌‌فروشیم به کسی که آن را تبدیل به شراب می‌‌کند. که ظاهرش همین است که استشهاد برای این است که فرض این است که می‌‌داند و الا نداند که سؤال نمی‌کند. امام هم که جواب می‌‌دهند می‌‌خواهند بفرمایند ما هم می‌‌دانیم که مشتری خرما را می‌‌خرد، باغ خرما داریم به همه می‌‌فروشیم به آن کسی که می‌آید خرما می‌‌خرد و ما می‌‌دانیم می‌‌خواهد خمر تولید کند به او می‌‌فروشیم. مرحوم آقای تبریزی فرموده این دلیل بر این است که حتی اعانت بر اثم در این مرتبه مکروه هم نیست اگر مکروه بود امام مرتکب نمی‌شد.

[سؤال: ... جواب:] ظاهرش این است که تفصیلا می‌‌داند این را و الا علم اجمالی که همه دارند. ... توجه تفصیلی چه بسا راوی نداشت یا سائل ممکن بود نمی‌دانست که امام این کار را می‌‌کند، ‌امام می‌‌فرماید مگر خود ما این کار را نمی‌کنیم؟‌

یا در صحیحه عمر بن ‌أذینه هست که کتبت الی ابی عبدالله علیه السلام أسأله عن رجل له خشب فباعه ممن یتخذ منه البرابط، بربط یکی از آلات موسیقی حرام است، ‌چنگ ظاهرا هست، قال لابأس و عن رجل له خشب فباعه ممن یتخذ منه صلبانا. بله، ‌اگر چوب می‌‌فروشی به کسی که می‌‌دانی صلیب می‌‌سازد، ‌این شعار کفر است.

روایات که این است. گفته‌اند سیره هم که همین است، بر جواز اعانت بر اثم است.

و لذا فرمودند که رستوران‌ که می‌‌زنید خمر نفروشید، ‌خمر تقدیم نکنید به شارب الخمر، احتیاط واجب این است که خنزیر هم در حکم خمر است او را هم تقدیم نکنید. اما انواع حرام‌های دیگر گوشت خرچنگ، ‌گوشت میته، بپزید تقدیم کنید بخورند. فقط می‌‌ماند مرحله گرفتن پول آن: اگر کافر به عنوان استنقاذ پول او را بگیرید اگر مسلم هست بگویید ما بابت آن نان و برنج و خدمات جانبی این مبلغ را می‌‌گیریم.

[سؤال: ... جواب:] اصلا بیع نیست، تقدیم است. بیعش باطل است. ... در مورد عصیر العنب حضرت فرمود لابأس به تبیعه حلالا فیجعله حراما، ‌در مقابل این‌که بیع الخمر اگر بکنی آنجا تبیعه حراما اما اصلا بیع المیتة حرام نیست تکلیفا. بحث اعانت بر اثم است که آقا! تقدیم می‌‌کنی این گوشت مردار را یا گوشت خرگوش را گوشت خرچنگ را، ‌این اعانت بر اثم هست ولی حرام نیست. بیع الخمر حرام تکلیفی است، لعن الله بایعها و مشتریها. ... بلکه می‌‌تواند این صاحب رستوران چند ماشین را هم کرایه کند، ‌چند ماشین را هم بگذارد، افراد از رستوران ممکن است بعضی‌هایشان بروند مرکز فساد، می‌‌روند کرایه‌اش را می‌‌گیرد. ... بله، اگر بشود نشر فساد در مجتمع این عنوان ثانوی می‌‌شود. به عنوان اولی حرام نیست. ... این‌ها در استفتائات آمده، وقتی اعانت بر اثم را حرام ندانستید، عنوان ثانوی هم مثل نشر فساد در مجتمع بر آن منطبق نبود دلیل بر حرمتش چیه؟

امام قدس سره در مقابل فرمودند به دلیل عقل و نقل این حرام است. اعانت بر اثم ممکن است صدق نکند بر جایی که من مقدمه حرام را ایجاد می‌‌کنم بدون این‌که داعیم این باشد که غیر مرتکب حرام بشود. اعانت بر اثم صدق نمی‌کند. من این سرنگ‌ها را بیمار بودم اضافه آمد گذاشتم در سطل آشغال بیرون خانه، می‌‌دانم یک عده معتاد تزریقی می‌آیند بر می‌‌دارند و تزریق می‌‌کنند و آن عمل‌شان حرام است. خب اعانت بر اثم صدق نمی‌کند چون من داعیم خدمت به آن‌ها نیست، داعیم این است که زواید منزلم را دور بریزم. اما عقل می‌‌گوید این قبیح است و حکم عقل حکم تنجیزی است یعنی قابل ردع شارع هم نیست. و لذا روایات که در جواز اعانت بر اثم در این مواردی که ذکر کردیم وارد شده بود باید طرح کنیم چون خلاف حکم عقل است. بلکه آن تعبیر صحیحه رفاعه قابل قبول نیست که امام علیه السلام بیع بکند خرما خودش را به کسی که می‌‌داند که می‌‌خواهد تولید مشروب بکند. شما به یک مؤمن متدین عادی راضی نیستید همچون نسبتی بدهند بعد حاضر می‌‌شوید بگویند امام معصوم آن خمّار می‌آید می‌‌گوید این خرماها کیلو چند؟ امام به او بفروشد حالا بالمباشرة‌ یا بالوکالة بعد می‌‌داند که او می‌‌رود خمر تولید می‌‌کند.

بعد امام فرمودند شاهد بر این حکم عقل این است که قوانین دولت‌ها هم اعانت بر جرم را مجازات بر آن تعیین کردند، به عنوان معاونت بر جرم مجازات می‌‌کنند. این خودش نشان دهنده حکم عقل هست.

ما عرض کردیم، ‌خلاصه عرض خودمان را هم بگوییم: ظاهر تعاون بر اثم حرمت اعانت بر اثم است. این را ما پذیرفتیم. همدیگر را کمک نکنید بر گناه، عرفا صدق می‌‌کند اگر من اعانت بکنم دیگران را بر گناه و طبعا افرادی هم هستند که من را یا دیگران را اعانت می‌‌کنند بر گناه، شارع یک نظر کلی انداخته فرموده که ‌ای مؤمنین! همدیگر را بر گناه یاری نکنید! مثل لاتنابزوا بالالقاب، همدیگر را با القاب زشت خطاب نکنید! لزوما به این معنا نیست که متقابلا این کار را نکنید، ‌نه اگر یک‌طرفه هم بود این کار را نکنید. و لکن حکم عقل را ما قبول نداریم. این‌که امام فرمود معاونت بر جرم را عقلاء مجازات برایش تعیین کردند، ‌خب یک سری موارد بله همین‌جور است که خودشان جرم حساب کردند اما هر اعانت بر جرمی عقلاء بر آن مجازات تعیین کردند؟ یک آقایی سوار اتوبوس می‌‌شود حالا از قیافه‌اش راننده اتوبوس فهمید که این مواد مخدر در جیبش گذاشته که حمل کند ببرد تهران، تهران تحویل بدهد، ‌این راننده اتوبوس مجرم است؟ اگر بگوید من می‌‌دانستم ولی به من ربطی ندارد، من هر کسی را سوار ماشین می‌‌کنم چه آن آیة الله که قرآن در جیبش هست چه این قاچاقچی که مواد مخدر در جیبش هست، من که حمل نکردم. یک وقت من حمل می‌‌کنم مواد مخدر را اما یک وقت نه، من حمل نمی‌کنم. آن بلیط‌فروش که بلیط فروخته به این شخص بگوییم شما اعانت بر اثم کردی؟ این راننده اتوبوس که او را از آن شهر به تهران می‌‌آورد بگوییم تو اعانت بر اثم کردی؟‌ نمی‌گویم اعانت بر اثم صدق نمی‌کند، ‌نه، من این را قبول ندارم اما مجازات می‌‌کنند عقلاء؟

[سؤال: ... جواب:] یک وقت همدستی با مجرم است، ‌همدستی با مجرم فرق می‌‌کند، ‌همدستی با مجرم جرم است. ... می‌آید از شمای پلاستیک‌فروش یک پلاستیک می‌‌خرد، می‌‌دانی که این پلاستیک را ببرد خانه در آن، مواد مخدر جاسازی کنند، بیایند بگویند شما که چرا پلاستیک به او فروختی؟ خب آقا! پلاستیک به همه می‌‌فروشم شما هم می‌‌خواهی بیا بخر! کی این را عقلاء مجازات می‌‌کنند؟ کی عقل حکم می‌‌کند به قبح این کار؟ ... مقدمات بعیده هم نیست. کی عقلاء مجازات می‌‌کنند آن صاحب منزل که سرنگ‌ها را بگذارد در سطل خاکروبه می‌‌داند که معتاد‌های تزریقی می‌آیند این سرنگ‌ها را بر می‌‌داند می‌‌روند استفاده کنند؟ اگر به قصد این است که یک خدمتی به آن‌ها بکند می‌‌شود همدستی با آن‌ها اما نه، آقا!‌ من چه کار کنم؟ من اضافه آوردم، ‌در منزل زیاد آمده، می‌‌خواهم پاکسازی کنم منزل را، ‌گذاشتم در سطل خاکروبه، بعد بیایند این را به عنوان مجرم بگیرند ببرند زندان چون سرنگ‌ها را گذاشتی در خاکروبه، می‌‌دانستی معتادهای تزریقی می‌آیند بر می‌‌دارند استفاده می‌‌کنند.

[سؤال: ... جواب:] گاهی امور مهمه است مثل کشته شدن و این مسائل، بحث دیگر است. نه، ما مطلق اعانه بر اثم را می‌‌گوییم. ... ولی من می‌‌دانم اگر این سرنگ را بگذارم در سطل خکروبه او می‌‌رود با این سرنگ یک انسان را تزریق هوا می‌‌کند و می‌‌کشد، خب معلوم است که من مجرم هستم، نباید این کار را بکنم، ‌این اعانت بر ظلم است، اعانت بر قتل است. العامل بالظلم و المعین له و الراضی به شرکاء. البته این روایت محمد بن سنان است اما روایات دیگر هم داریم که مضمونش این است که اعانت بر ظلم حرام است.

ما فقط دلیل‌مان حرمت اعانت بر اثم است و فحوی نهی از منکر.

فحوی نهی از منکر جایی است که اگر من این مقدمه را ایجاد نکنم کس دیگر هم ایجاد نمی‌کند. اینجا می‌‌گویند آقا! تو چرا ایجاد کردی؟ تو که وظیفه‌ات بود جلوی منکر را بگیری، ‌یعنی نهی از منکر بکنی، ‌منع عملی نمی‌گویم، ‌تو که وظیفه‌ات بود بگویی منکر را مرتکب نشوی بعد شما می‌‌دانی این انگور را نفروشی به این آقا، این آقا دیگه ممنوع المعاملة است هیچکس به او انگور نمی‌فروشد فقط مانده تو به او نفروشی که محروم می‌‌شد از خریدن انگور و ساختن خمر. خب شما باید نهی از منکر بکنی آمدی به او انگور فروختی؟ و لذا ما در این موارد فحوی نهی از منکر را قبول داریم.

اما جایی که نه، مقدمه منحصره نیست، من هم نباشم دیگران و لو بخاطر جهل‌شان یا عدم التزام‌شان این کار را خواهند کرد‌، اطلاق اولی حرمت اعانت بر اثم می‌‌گوییم اقتضاء می‌‌کند حرمت این را. هر کجا اعانت بر اثم صادق باشد، در مقدمات قریبه داعی هم نداشته باشید بر صدور حرام از غیر، عرف می‌‌گوید اعانت بر اثم کردی. آقا! شما آن تازیانه را از خانه‌تان انداختید در کوچه نه برای این‌که آن آقا تازیانه‌ها را بردارد بزند به مردم، ‌برای این‌که اضافه بود در خانه، زواید بود خواستید پاکسازی کنید خانه، ‌ریختید در آن بیابان کنار منزل و می‌‌داند یکی بر می‌‌دارد با این تازیانه دیگران را می‌‌زند، بله، اعانت کردید بر ظلم، کمک کردی به ظلم و لو قصد نداشتی، داعی نداشتی که او این ظلم را مرتکب بشود.

اما در مقدمات بعیده عرض کردیم اگر داعی نداشته باشد به این‌که حرام از غیر صادر بشود عرفا اعانت بر اثم منصرف است. این مختار ما بود. مثل همان معلم دبستان ‌که می‌‌داند این دانش‌آموزش با این استعدادی که دارد در موسیقی یا در مجسمه‌سازی یا در حرام دیگر، ‌این هر چه درس می‌‌خواند در راستای همان شغل محرمش درس می‌‌خواند. بسته اینترنتی می‌‌فروشد به جوان‌هایی که می‌‌داند این‌ها می‌‌خرند و می‌‌روند در راه حرام استفاده می‌‌کنند. یا این است که این مقدمات بعیده است و من داعیم ارتکاب حرام توسط غیر نیست.

اعانت بر اثم در دو جا صادق است: یکی اتیان مقدمات قریبه، ‌دوم اتیان مقدمات بعیده به داعی این‌که غیر مرتکب حرام بشود. و لکن ما رفع ید می‌‌کنیم از ظهور لاتعاونوا علی الاثم در حرمت اعانت بر اثم بخاطر روایات. این روایاتی که خواندیم می‌‌گوید آقا! چیزی که حلال است به دیگری بدهی می‌‌دانی او استفاده حرام می‌‌کند‌، یعنی در راه حرام از او استفاده می‌‌کند، انگشتر مشترک بین انگشتر مردانه و زنانه می‌‌فروشی اما این به جای این‌که بدهد به خانمش خودش استفاده می‌‌کند، ‌انگشترفروش می‌‌گوید این انگشتر مردها هم استفاده می‌‌کنند زن‌ها هم استفاده می‌‌کنند. تیغ ریش‌تراشی است برای زیر گلو هم استفاده می‌‌کنند برای تراشیدن ریش هم استفاده می‌‌کنند، جرم است من تیغ ریش‌تراشی بفروشم؟ باطری است، ‌من می‌‌فروشم طرف می‌‌تواند بگذارد رادیو موسیقی مبتذل گوش بدهد می‌‌تواند بگذارد رادیو صوت قرآن گوش بدهد، ‌از این روایات بیع العنب ما استفاده کردیم چیزی که حلال است بدهیم به طرف می‌‌دانیم او در راه حرام استفاده می‌‌کند این اشکال ندارد مگر در مرز شعار کفر باشد. و عن رجل له خشب فباعه ممن یتخذه صلبانا قال لا.

[سؤال: ... جواب:] ‌ما ملتزمیم انگشتر مردانه را بفروشی حرام است و لو با کلاه شرعی. کلاه شرعی چیه؟ یادتان بدهم: انگشتر طلا مخصوص مردانه، می‌‌گوید من این طلا را به شما می‌‌فروشم نه به عنوان انگشر، به عنوان طلا. می‌‌گوید قیمتش چنده؟ زنگ می‌‌زند به رفیقش می‌‌گوید شما انگشتر طلا مردانه چند می‌‌فروشید؟ می‌‌گوید با مزد ساختش مثلا می‌‌فروشیم پانصدهزار تومان. این هم می‌‌گوید آقا!‌ من این طلایش را می‌‌فروشم به شما پانصدهزار تومان. آقایان می‌‌گویند بیعش صحیح است. می‌‌ماند بحث اعانت بر اثم: خب آقای خوئی، آقای سیستانی، آقای تبریزی می‌‌فرمایند ما که اعانت بر اثم را حرام نمی‌دانیم، اشکال ندارد، بفروشد. من می‌‌گویم نه، ‌این هیئتش هیئت محرمه است. اعانت بر اثم است. روایت که تجویز نکرد این را؛ روایت بیع الخشب را تجویز کرد ممن یصنعه برابط. ... چه فرق می‌‌کند؟! خشب مگه حرام است؟ عنب مگه حرام است؟ بیع الخشب ممن یصنعه برابط، این تجویز شد. طلا با هیئت انگشتر مردانه، این هیئت عنوان انگشتر طلا مردانه شد، انگشتر طلا مردانه هیئت محرمه است. شما داری یک شیء حرام را می‌‌فروشی عرفا. یا تقدیم میته به این مستحل میته به چه دلیل حلال است؟ یبیعه حلالا فیتخذه حراما شامل این نمی‌شود، یبیع الخشب ممن یصنعه برابط شامل این نمی‌شود. یا آنی که مسافر می‌‌زند می‌‌داند که می‌‌رود مرکز فساد، به چه دلیل این حلال است؟ اعانت بر اثم است. و ما قبول نداریم سیره در موارد علم تفصیلی بوده. علم تفصیلی اگر داشتم که این می‌‌خواهد برود مرکز فساد سوار شتر می‌‌کردند، می‌‌بردنش؟ به چه دلیل همچون سیره‌ای بوده؟ همچون دلیلی ما نداریم، ‌همچون سیره‌ای ثابت نیست.

و این روایات هم بیش از این‌که یک شیء حلال را در اختیار کسی بگذاریم که می‌‌دانیم استفاده حرام می‌‌کند. این را گفتند جایز است اما این‌که بیاییم شخصی را یا حمل کنیم ببریم مرکز فساد یا میته را تقدیم کنیم به مستحل میته یا مواد مخدر او را نگهداری کنیم، ‌این‌ها همه نامشروع است، اعانت بر اثم است. مخصصی هم برای آن نداریم.

بله، یک مورد دیگر هم برای تخصیص بود، ‌غذا دادن به روزه‌خوارهایی که اگر من هم غذا ندهم دیگران به آن‌ها غذا می‌‌دهند و من احتیاج ندارم، مورد روایت این است. و انا احتجت الیهم، ‌روایت تجویز کرده، ما چه می‌‌دانیم. در این موردی که کارگرها روزه‌خور هستند، من اگر به آن‌ها ناهار ندهم کار نمی‌کنند، من هم احتیاج دارم به این‌ها، حضرت هم تجویز کرد، این دلیل بر جواز اعانت بر اثم است مطلقا؟ ما چه می‌‌دانیم؟ شارع این را تجویز کرد با این‌که اعانت بر اثم هم صدق می‌‌کند به نظر ما.

و اینی که بعضی‌ها تفکیک می‌‌کنند: آقا! میته را بگذارید جلوی این آقایی که آمده رستوران ناهار می‌‌خواهد بخورد می‌‌گویند چون به داعی این نیست که او اکل میته بکند، پس اصلا حرام نیست. [اقول] آخه داعی نیست یعنی چی؟ عرفا این تسبیب است دیگه. یعنی ممکن است شما بگویید اعانت بر اثم حرام نیست اما انصافا این با این‌که به قصد ارتکاب حرام توسط غیر باشد عرف این را تفکیک نمی‌کند. یعنی مقصودم این است که این‌که من میته بگذارم جلوی این شخص به داعی این‌که او میته بخورد این حرام است اما وقتی می‌‌دانم او میته می‌‌خورد و گذاشتن من هم روی میز همان و این‌که او میته بخورد همان. اصلا اگر او میته نمی‌خورد که من نمی‌آوردم. [درست است که] داعی بر داعی پول است، همه داعی بر داعی‌شان پول است اما اگر این نمی‌خورد که نمی‌آورد. من می‌‌خواهم بگویم [این‌که گفته شود] اینجا اعانت بر اثم حلال است خیلی غیر عرفی است. و ما نمی‌خواهیم تعدی کنیم از این روایات بیع العنب ممن یعلم انه یصنع خمرا. این فرق است بین بیع العنب ممن یعلم انه یصنع خمرا با این‌که من غذای حرام را بگذارم جلوی کسی که اصلا مصرف منحصر عرفیش فعلا این است که او را می‌‌خورد و الا این مقدار پول نمی‌دهد. حالا آقای خوئی فرمودند چون انگیزه شما این نیست که او مرتکب حرام بشود ما دلیل بر حرمت آن نداریم. و لکن انصاف این است که ما اعانت بر اثم را وقتی حرام کردیم از عموم جواز بیع العنب ممن یعلم انه یصنع خمرا نمی‌توانیم به این موارد. من حرفم این است. چون این عرفا منفک نیست از این‌که عرف می‌‌گوید بابا! گذاشتی او بخورد دیگه، پس گذاشتی او تماشا کند؟! غذای میته را گذاشتی او بخورد دیگه. می‌‌گوید نه، ‌من انگیزه ندارم او بخورد، می‌‌خواهد نخورد، به من چه. انگیزه مهم نیست در اینجا عرفا، مهم این است که گذاشتی او بخورد.

و لذا به نظر ما این‌ها حرام است.

این محصل عرائض ما که بخاطر کثرت سؤال و جواب گاهی ابهام پیدا می‌‌کند، ما مجبور شدیم تکرار کنیم.

[سؤال: ... جواب:] کسی که می‌‌گوید آن تازیانه را بده بزنم به این شخص، شما هم تازیانه را می‌‌دهی، می‌‌گوید من که داعی نداشتم او بزند، من در رودربایستی گیر کردم. عرف می‌‌گوید دادی تازیانه را که او تازیانه بزند. پس دادی که او بوس کند تازیانه را؟! اما بیع العنب ممن یعلم انه یصنعه خمرا نمی‌گویند تو انگور دادی تا او مشروب درست کند، می‌‌گوید کی من انگور دادم تا او مشروب درست کند؟ من انگور دادم می‌‌دانم او مشروب درست می‌‌کند. اما اگر می‌آید کمربند می‌‌خرد من می‌‌دانم این کمربند را می‌‌خواهد برود زنش را با او کتک بزند، بله، من که منکر نیستم که این اعانت بر ظلم است. این اعانت بر ظلم است. و الا اگر این کمربند را می‌‌خرید اعانت بر ظلم نمی‌کرد، کمربند می‌‌خرید که لباس بپوشد که برود مرکز فساد، به من چه ربطی دارد؟ من کمربند می‌‌فروشم حالا او می‌‌خواهد شلوارکمری بپوشد کمربند ببندد برود مسجد یا برود مرکز فساد به من چه ربطی دارد؟ آنجا فقط اعانت بر اثمی است که از این روایت استفاده شد حرام نیست. مثل بیع العنب ممن یعلم انه یصنع خمرا، بیع الخشب ممن یعلم انه یصنع برابط. اما غیر از این است که عرف می‌‌گوید بابا!‌ شما تازیانه را دادی دست این، می‌‌داند می‌‌خواهد کتک بزند خانمش را، می‌‌گویی من که قصدم این نبود، ما در رودبایستی گیر کردم، عرف می‌‌گوید دادی که بزند دیگه، مصرف منحصرش این است. البته آقای خوئی هم می‌‌گوید اعانت بر ظلم است و این حرام است. من می‌‌خواهم عرض کنم اعانت بر اثم هم اگر باشد حرام است که اعانت بر اثم هم هست. شما بیایید همین مسافر ببرید به مرکز فساد این اعانت بر اثم است و این حرام است چون عرف می‌‌گوید مسافر بردی او برود فساد بکند، می‌‌گوید نه، خب او برود مسجد. می‌‌گوید بابا! شما داری مسافر ببری آنجا او برود مسجد؟ بله اگر می‌‌دانی به تفصیل که این آقا قصد فساد دارد نباید سوارش کنی.

[سؤال: ... جواب:] بیع العنب خود آن عنب حلال است اما بابا!‌ عرفا به این می‌‌گویند او را برد به مرکز فساد. باعه حلالا فاتخذه حراما در بیع العنب ممن یعلم انه یصنع خمرا صدق می‌‌کند ولی اینجا صدق نمی‌کند. ... خود شما که اول بحث بعضی آقایان گفتند که خلاف مرتکز است آدم تاکسی کرایه‌کشی بدهد بعد هم مبدأ فلان مقصد فلان بعد هم می‌‌گوید خمسش را هم می‌‌دهم. اعانت بر اثم هم که برخی آقایان می‌‌گویند حرام نیست. نه، ‌این چرا حرام نباشد. بگذریم زیاد معطل نشویم راجع به این بحث استطرادی.

مسأله 7: الأمة کالحرة فی جمیع ما ذکر و لکن لایجب علیها ستر رأسها و لاشعرها و لا عنقها.

امه فرقش با حره این است که در نماز لازم نیست سرش را بپوشاند، گردنش را بپوشاند، موی سرش را بپوشاند. در غیر نماز هم ظاهر ادله همین است که از نامحرم لازم نیست سرش را بپوشاند. فرقی هم نیست بین اقسام امه: چه امه قنه، امه قنه یعنی امه خالص، صددرصد. امه مدبره، امه مکاتبه، امه‌ ام ولد. ما یک امه دیگری داریم امه مبعضه یعنی بعضش آزاد شده. ایشان می‌‌فرماید امه مبعضه کالحرة است، ‌او حکم حره را دارد.

این‌که دیگه محل ابتلاء‌ نیست. شکی در این مسأله نیست، ‌روایات هم دارد، الأمة تغطی رأسها اذا صلت؟ فقال لیس علی الأمة قناع.

مسأله 8 راجع به دختر غیر بالغه است. دختر غیر بالغ هم لازم نیست موقع نماز سرش را بپوشاند. این هم روایات متعدده‌ای دارد.

بحث در این است که اگر وسط نماز بالغ شد، سرش باز است، ‌حکم این مسأله را هم ان‌شاءالله بگوییم.

و الحمد لله رب العالمین.